

اهمیت پابندی بارزش‌های حقوقی جهانی ضرورت گفتمان ملی و چگونگی ثبات وضعیت تعاملات عملی مبتنی بر منافع متقابل

ترویج افراط‌گرایی بمنظور دستیابی با اهداف مورد نظر
تفاوت روایت‌های مختلف و قرائت‌های متناقض
ظرفیت مدیریت در بُعد داخلی و خارجی
چگونگی تحمیل بینش‌های الزامی

اصل پابندی بارزش‌های حقوقی بین‌المللی در انجمن عمومی سازمان ملل بتاريخ ۱۰ ماه دسامبر سال ۱۹۴۸ ترسایی در پاریس به تصویب رسید. این اعلامیه بمثابة دستاورد مستقیم جنگ جهانی دوم پنداشته شده و برای نخستین بار، حقوقی را که تمامی انسان‌ها سزاوار آن هستند، بگونه جهانی بیان می‌دارد. در نتیجه، ارزش‌های حقوقی جهانی بحقوقی اطلاق می‌گردد که همگان در کلیه زمان‌ها و مکان‌ها از آن برخوردار می‌باشند. پس از فاجعه تاریخی ناسیونال سوسیالیستی در آلمان نازی، جنایت‌های نژادپرستانه آدولف هیتلر علیه یهودی‌ها و جنایات نامبرده علیه دگراندیشان، مخالفان و شهروندان کشورهای دیگر، اتحاد جهانی بمنظور تشکیل نظم نوین جهانی بوجود آمد که بر بنیاد آن، قرار شد تا بر پایه ارزش‌های حقوقی مدرن جهانی، از جمله حقوق بشر بر آن استقرار یابد. فعالان و اندیشمندان ارزش‌های حقوقی جهانی باین امر واقف بودند که پیروزی و فایق آمدن بردیکتاتوری نازی‌ها و دولت‌هایی که بمثابة متحدان آلمان نازی پنداشته می‌شدند، به تنهایی نمیتوانند به صلح سیاسی در جهان منجر گردد. در امتداد ماه جنوری سال ۱۹۴۲ ترسایی، بتعداد بیست و پنج کشور عضو "ائتلاف ضد هیتلری" بیانیة سازمان ملل را امضا نمودند. همه این رویدادهای تاریخی، بمثابة پایه‌هایی بودند که به تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر منتهی شدند. اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوبه ۱۰ ماه دسامبر سال ۱۹۴۸ ترسایی بمثابة دستاوردی محسوب میگردد که بدنبال جنگ جهانی دوم شکل گرفت. آزادیهایی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح میباشند، عبارتند از آزادی بیان، آزادی عقیده و رهایی از ترس

در مورد مسأله قابل بحث کنونی، قبل از طرح سایر مطالب، با اعترافات در مورد ارتکاب جنایت‌های جنگی توسط نظامیان بریتانوی بویژه در امتداد سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۹ خورشیدی اختصاص داده شده است. درین مقطع پرسشی باین شرح مطرح میگردد که چرا نیروهای ویژه بریتانیا، بتعداد ۸۰ تن از شهروندان افغان را در حالی که بمنظور انجام وظایف محوله در امر مبارزه با تروریسم بودند، بقتل رسانیدند؟ قابل یاددہانی پنداشته میشود که بتاريخ ۱۹ ماه جدی سال پسین، خلاصه‌ای از هفت مصاحبه انجام شده با نظامی‌های خارجی مستقر در کشور در آن زمان منتشر گردید. در نخستین ماه‌های سال ۱۳۸۸ خورشیدی، چندین تن از سربازان چگونگی نگرانی‌های شان را با مقامهای مافوق در میان گذاشته و در این زمینه، قاضی مسؤل تحقیق را نیز از موضوع مطلع نمودند. بر بنیاد اظهارات و اعترافات آنها، نیروهای ویژه انگلیسی، بخاک و خون کشاندن جوانان کمتر از ۱۶ سال، افراد و اشخاص غیر مسلح یا شهروندانی که هیچگونه ارتباطی با "طالب"‌ها نداشتند، بمثابة اهداف پذیرفته شده در کارزار افغانی میپنداشتند، مهمتر از همه آنکه برخی از قتل‌ها ظاهراً بمثابة ایجاد احساس دفاع از خویش تلقی می‌گردید. نظامیان انگلیسی در کشور عزیز ما سعی می‌نمودند تا هر کدام بنوبه خویش در بخاک و خون کشاندن شهروندان کشور عزیز ما دست بالایی داشته باشند. اتهامات یاد شده بگونه کلی با تحقیقاتی که سال‌ها توسط برخی از آژانس‌های خبررسانی در مورد سوءاستفاده نیروهای ویژه در خارج از کشور انجام پذیرفته، مطابقت کامل دارد. در مورد یاد شده تحقیقات

قضای پشت درهای بسته برگزارگردید. تحقیقات انجام پذیرفته درمورد ارتکاب جرایم جنگی توسط نظامیان نامبر ده، کشتار شهروندان ملکی و بی دفاع کشورما زمانی آغازگردید که میکانیزم های نظارتی کاملن مواجه گردیده بود. گزارش گونه هایی نیز موجود می باشد که هرباری که سربازانی در منطقه ای از هلمند مستقر می گردیدند، ساختن مملو از غیرنظامیان را تخلیه نموده سپس دری را بمنظور جستجوی بیشتر نظارت وضعیت، انتخاب می نمودند. بر بنیاد گزارش ها، در امتداد انجام عملیات مسلحانه دیگر، نیروهای ویژه هوایی قوت های سلطنتی، با شلیک و کاربرد سلاح های ثقیل، بتعداد ۵۴ تن از شهروندان ملکی کشور را بخاک و خون کشاندند. بسیاری ها در داخل بریتانیا، از نشر گزارش های بی معنا، سیاست های عمدی، اعدام های خودسرانه و... ابراز نگرانی نمودند.

تحقیقات داخلی آغاز گردید، اما افسری که بمحل مورد نظر اعزام گردید، بدون اینکه بمحلات مورد نظر سفر نموده و چشم دید هایش را بر شمرد، بسادگی از سربازانی بازجویی بعمل آورده و کارش را ختم شده پنداشت. فرمانده نظا میان انگلیسی در منطقه یاد شده در امتداد سال ۱۳۹۰ خورشیدی، از افشاکاری های تکان دهنده ای سخن بمیان آور ده و خواستار انجام تحقیقات شفاف در مورد شد، اما وزارت دفاع بریتانیا از هرگونه ابراز نظری در مورد ابا ورزید. کارشناسان و دست اندرکاران امور قضایی معتقدند که افشاکاری های یاد شده، واقعن نفرت آور بوده و قابل تقبیح می باشد. بر بنیاد اظهارات دگروال لی انگلیسی، آنچه باید اتفاق می افتاد اینستکه در مورد انجام قتل های ادعاشده باید اقدامات قاطع و عملی انجام پذیرد. برخی ها هم معتقدند که در صورت لزوم، با توجه باینکه وزارت دفاع بریتا نیا تمایلی بانجام تحقیق و بازگرداندن افراد مسؤل بدست عدالت ندارد، اما مدارک کافی بمنظور مراجعه به دادگاه کیفری بین المللی موجود می باشد. منظور آنده افرادی نیستند که مرتکب این قتل ها شده اند، بلکه افسران عالی رتبه ای می باشند که واقعبیت در مورد یاد شده را پنهان نموده و یا دستور اجرای عملیات را داده اند.

همچنان گزارش هایی مبنی بر قتل رسانیدن افراد و اشخاص مشکوک زندانی نیز موجود می باشد. شواهد بدست آمده، بازگوی این واقعبیت می باشند که فرمانده قبلی عملیات مسلحانه نتوانست شواهدی را بمنظور اثبات ادعا های یاد شده در اختیار همگان قرار دهد، اما مقامات وزارت دفاع با افتخار اعلام نمود که نظامیان انگلیسی با شجا عت (!) و بگونه حرفوی در افغانستان خدمات شان را بانجام رسانیدند. همه این واقعبیت را تأیید می نمایند که فرما نده قبلی نیروهای ویژه بریتانیا در مورد انجام قتل های فرأ قانونی ادعا شده مطلع بود، اما مدارک موجود شواهد گردآوری شده را به پولیس نظامی سلطنتی ارائه ننمود. از آنجمله، گزارش هایی که بیش از دهها یورش نظامیان در هلمند در امتداد سال ۱۳۸۸ خورشیدی را پوشش می دهد. همچنان گزارش هایی دال بر کشتن شهروندان ملکی بی دفاع و غیر مسلح، بویژه در امتداد اجرای عملیات شبانه نظامیان انگلیسی در کشورما نیز موجود می باشد.

قرار شواهد و ایمل های موجود، افسران بریتانیایی در بالا ترین سطوح نیروهای ویژه از نگرانی های موجود در مورد قتل های فرأ قانونی احتمالی آگاه بودند، اما علیرغم الزام قانونی، در ارائه گزارش موضوع به پولیس نظامی تعلل ورزیدند. همچنان مقامات مسؤل وزارت دفاع بریتانیا از اظهار نظر در مورد صحت و سقم ادعا های مطرح شده نیز ابا ورزیدند. اما امتناع از اظهار نظر نباید بمثابه پذیرش صحت و درستی ادعا تلقی گردد.

یک تن از افسران ارشد در مقر فرماندهی نیروهای ویژه بریتانیا، متذکر گردید که در مورد گزارش های بنشر رسیده، نگرانی های واقعی عملن موجود می باشد. نامبرده همچنان ادامه داده افزود که در نتیجه عملیات شبانه، افراد بی شماری از زندگی ساقط می گردیدند که هر نوع توجیه عملکردهای اینچنینی، اصلن منطقی بنظر نمی رسید. چه، هنگامی که فردی بازداشت می گردید، نباید بقتل میرسید، بلکه با آن باید بمثابه زندانی بخورد صورت می گرفت. اتفاق های اینچنینی بارها و بارها بوقوع پیوسته و اما اصلن سبب ایجاد هشدار در مرکز فرماندهی نمی گردید. مشخص بود کاشتباهی انجام پذیرفته و درجایی کار می لنگد.

بر بنیاد ایمل های موجود داخلی، افسران با ناپاوری بگزارش های یاد شده واکنش نشان داده و آنها را باور نکردنی و دور از واقعبیت محسوب می نمودند. اما با افزایش روز افزون نگرانی ها، یکتن از جمله افسران بلند پایه نیروهای ویژه، طی یادداشت محرمانه ای هشدار داد که ممکنست "سیاست عمدی" در قتل های فرأ قانونی در جریان انجام عملیات ها وجود داشته باشد. در امتداد سال ۱۳۹۰ خورشیدی، جنرال کارلتون اسمیت بمثابه رئیس نیروهای ویژه منصوب گردید، نامبرده در مورد قتل های مشکوک، کاملن مطلع بود، اما در مورد یاد شده، لب ازلب نگشود. همچنان دگروال اولیوالتی که در سال ۱۳۸۹ خورشیدی بمثابه فرمانده تفنگداران دریایی سلطنتی در کشورما ایفا وظیفه مینمود، اظهار نمود که اتهامات سورفتاری که توسط تحقیقات ما مطرح گردید، بسیار تکان دهنده بوده و اما در باره موضوع یاد شده بررسی های عمومی و گسترده ای بایست انجام پذیرد. نامبرده اضافه نموده افزود که

شکست آشکار رهبری نیروهای ویژه در افشای شواهد کاملن غیر قابل قبول بود. منابع معتبری در زمینه یادآوری کردند که عده ای از سواره نظام بریتانیایی برای مدت زمان شش ماه در هلمند جابجا گردیدند. آنها در محلی اطراف نمودند که یکی از خطرناکترین محلات کشور ما پنداشته شده و مخالفان مسلح بگونه منظمی با ایجاد کمینگاهها و بمب گذاری های کنار جاده همچنان ادامه می دادند. همچنان نقش اصلی تفنگداران، اجرای عملیات بازداشت فرما ندهان و ایجاد اختلال در شبکه های ساخت بمب ها توسط "طالب" ها عنوان گردید.

یکتن از بریتانیایی ها که در امتداد سال ۱۳۸۹ خورشیدی در هلمند حضور داشت، اظهار نمود که در زمان گزینش هدف در هلمند، بویژه در امتداد سال یاد شده، افراد و موظفین اطلاعاتی و استخباراتی، فهرستی از اشخاص مظنون را تهیه نموده و به نیروهای ویژه انتقال دادند که در نتیجه، تصمیم به دستگیری ویا کشتن افراد یاد شده اتخاذ گردید. بگفته بسیاری ها، اقدامات و عملکردهای اینچنینی، در نوع خود بمثابة کشتن همه ی آنها نبود، اما بمثابة فشاری بمنظور پیشبرد بازی پنداشته شده و عمدتن بمعنای قضاوت سریع در مورد افراد یاد شده بود.

در میان افسران ارشد در مورد چگونگی اجرای عملیات، شک و تردیدهایی موجود بود، از جمله پس از مطرح گردیدن نگرانی های مشابه در کشور استرلیا، تحقیقاتی بر رهبری قاضی ارشدی انجام پذیرفته و باین واقعیت دسترسی حاصل گردید که بر بنیاد شواهد غیر قابل انکار و معتبری، نظامیان نیروهای ویژه استرلیا، مسؤل قتل بتعداد ۳۹ تن از شهروندان ملکی کشور ما پنداشته شدند. در امتداد ماه حمل سال ۱۳۹۰ خورشیدی، نگرانی های بریتانیا بحدی بود که یکتن از افسران ارشد نیروهای ویژه طی نامه ایی به مسؤلان بخش هشدار داد که شواهدی مبنی بر "قتل های عمدی" افراد پس از بازداشت و همچنان جعل شواهدی بمنظور جلوه دادن قتل مشروع بمنظور "دفاع از خود" می توانست سیاستی را بمنظور بقتل رساندن شهروندان کشور ما بدون در نظر داشت سن و سال، توجیه نماید. دو روز پس از آن، دستیار فرماندهی نیروهای ویژه بریتانیا برنیس بخش هشدار داد که علیه کسانی که هنوز تهدیدی از جانب آنها نیز متصور نمی باشد، باید با اقدامات پیشگیرانه ای متوسل گردند.

نظامیان انگلیسی با رفتار اخلاقی و اقدامات قانونی بویژه در قبال شهروندان ملکی کشور ما کاملن بیگانه بودند. در یکی از اقدامات مسلحانه، مهمانخانه ای در نادر علی ولایت هلمند مورد یورش نظامیان بریتانوی قرار گرفت که در نتیجه آن ۹ تن از شهروندان مرد و از جمله یک تن نوجوان بخاک و خون کشیده شدند. نظامیان بریتانیایی، در تار یکی شب همراه با هلیکوپترها و زره پوش هایی به مهمانخانه ای نزدیک شدند. بر بنیاد گزارش آنها، شورشیان بجانب آنها تیراندازی را آغاز کردند که در نتیجه، رگبار ماشیندارها و زره پوش های انگیس ها، محل بگونه کاملی تخریب و افراد موجود در آن همه کشته شدند.

پس از آن، در داخل مهمانخانه آنچه بنظر می رسید، عبارت بود از سوراخ های ایجاد شده در نتیجه شلیک مرمی های سلاح ثقیل و اجساد بیجان افراد و شهروندان ملکی و بی دفاع کشور. الگوی یاد شده در دو محل دیگر نیز قابل مشاهده بود. کارشناسان امور نظامی با بررسی تصاویر و شواهد موجود، با صراحت اظهار نمودند که سوراخ های ایجاد شده توسط شلیک مرمی ها، نشاندهنده قتل هایی بسبک اعدام بوده تا آتش سوزی. بازرس ها یاد آور شده خاطر نشان نموده و متذکر گردیدند که می توانید تصور نمایید که ما چرا نگران نبودیم، بنظر می رسید که آثار گلوله باری بر روی دیوارها تا سطح زمین، بخودی خود، نادرستی روایت های نیروهای ویژه را عملن باثبات می رساند.

یکشنبه ۳۰ ماه جدی سال ۱۴۰۳ خورشیدی برابر با ۱۹ ماه جنوری سال ۲۰۲۵ ترسایی